

مارکسیست - لنینیست‌ها

و

ناسیونالیسم

مذهب

مالکیت خصوصی

آزادی فرد

(جهت کمک به برپائی خانه حزب توده ایران)

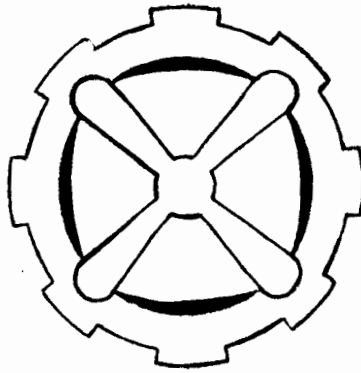
دست‌نویس

و کپی‌برداری

ترجمه از

بهمن ۱۳۵۸

۱



نشر از گروه کاویان هوادار حزب توده ایران

بهاء ۲۰ ریال

- ۱ - مارکسیست - لنینیستها و ناسیونالیسم (۴)
- ۲ - لنین چه توجیه تاریخی برای ناسیونالیسم قائل است (۵)
- ۳ - مارکسیست - لنینیستها و مذهب (۸)
- ۴ - مارکسیست - لنینیستها و مالکیت خصوصی (۱۵)
- ۵ - مارکسیست - لنینیستها و آزادی فرد (۱۷)
- ۶ - یاورقیهها (۲۱)

نشر از گروه "کس اویمان" هوادار حزب توده ایران
و . یوگوسلوفسکی
و . سولود و نیکوف
ترجمه - ب . ر
چاپ اول بهمن ماه سال ۱۳۵۸

مقدمه .

از بدو پیدایش جنبش کمونیستی ، دشمنان صلح وترقی به جنگ وقفه ناپذیری علیه آرمانهای تابناک کمونیسم در مبارزه علیه ستم ، بندگی و استثمار فرد از فرد دست زدند . هنگامیکه در نتیجه پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ، دولت شوروی کارگران و دهقانان متولد شد ، به آنتی کمونیسم ، جزء جدید آنتی سوسیالیسم * یعنی مبارزه جنون آمیز امپریالیست ها و کلیه مرتجعین علیه سیاست داخلی و خارجی اتحاد شوروی ، اضافه شد . آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم ، سلاح زهر آگینی است که امپریالیست ها با استفاده از آن سعی در گسستن پیوند میان نیروهای انقلابی - دمکراتیک کشورهای در حال رشد ، سوسیالیسم جهانی ، و جنبش جهانی کمونیستی و کارگری دارند ، پیوندی که ضامن تکامل ظرفیت کشورهای نواستقلال بسوی سوسیالیسم میباشد . بهتراست برخی از نمونه های مشخص خرابکاری های ایدئولوژیکی امپریالیست ها علیه دمکراسی ملی و سوسیالیسم علمی را بررسی کرده ، و مواضع مارکسیست - لنینیست ها را در ارتباط با این خرابکاریها بشکافیم .

(الف) - مارکسیست - لنینیست ها و ناسیونالیسم :

لنین میان ناسیونالیسم ملت غالب و ناسیونالیسم ملت تحت ستم تمایز بنیادی قایل است . امپریالیست ها و ماشین تبلیغاتی شان سالهای سال مشغول تکفیر ناسیونالیسم آسیایی ها و آفریقایی ها (ناسیونالیسم ملت تحت ستم) بودند . آنها حتی ادعا میکردند که این ناسیونالیسم " زاده کمونیسم است " . اما اکنون بهر حال ، تبلیغات امپریالیستی چیزی کاملاً متفاوت میگوید ، ماشین امپریالیسم اکنون صحبت از دشمنی سوسیالیسم علمی با هرگونه ناسیونالیسم میکند . اشتراست هوپه *** و پوسونی *** دو کارشناس آمریکائی در استراتژی ایدئولوژیکی ، آشکارا به تبلیغات چی های خویش توصیه میکردند که در تهاجم روانی خود بر کشمکش میان کمونیسم و ناسیونالیسم تاکید ورزند (۱) . ایدئولوگ های امپریالیسم ادعا میکنند که مارکسیسم - لنینیسم دشمن آشتی ناپذیر هر نوع ناسیونالیسم در کشورهای نواستقلال است . این تغییر جهت در تبلیغات امپریالیستی چگونه رخ داد ؟

شوروی ستیزی - سیاست ضدیت با اتحاد شوروی و سیستم آن . * Anti-Sovietism

** R. Strausz-Hupe

*** T-Possony

لنین همواره مخالف طرح مسئلهٔ ناسیونالیسم بطور مجرد بود، او به انقلابیون می‌آموخت که با این مسئله بطرز صحیحی برخورد کنند. در ناسیونالیسم ملت غالب، مانند ملت انگلیس که بسیاری خلقها را تحت سلطهٔ استعماری خود در آورده بود - تمایل تصرف و به انقیاد در آوردن دیگر دولتها نهفته است. اما حتی در داخل چنین ملتی گرایش مخالفی وجود دارد که تدریجاً معینی تلاشهای شوونیستی و توسعه طلبانهٔ بورژوازی انحصاری را عقیم میگذارد. اینرا همه میدانند که کمونیستهای بریتانیا و دیگر نیروهای مترقی همواره با سیاست امپریالیستی بریتانیای کبیر مخالفت کرده و میکنند.

ناسیونالیسم ملت تحت ستم امپریالیسم - مثلاً " ناسیونالیسم مللی که خود را از قید استعمار رها نکرده اند - چنانکه لنین اشاره میکند، دارای دو وجه است: وجه مترقی که در جهت آزادی خلق از قید هر نوع ستم خارجی و ملی است و وجه ارتجاعی که مبین آرزوی بورژوازی ملی در تسلط بر خلق خود و دیگر خلقها میباشد.

لنین با اشاره به این دوگانگی به کمونیستها می‌آموخت که در موضع خود در مورد ناسیونالیسم خلقهای شرق، جانب احتیاط را رعایت کنند. او مینویسد: " شما مجبور خواهید شد مبنای کار خود را بر اساس ناسیونالیسم بورژوایی که در این خلقها بیدار میشود و باید بیدار شود، قرار دهید، ناسیونالیستی که توجهات تاریخی خود را دارد. (۲) لنین چه توجه تاریخی برای ناسیونالیسم قائل است؟

سلطهٔ استعماری با غارتها، خشونتها، تبعیضات نژادی و تحقیر فرهنگی خلقهای شرق، بطور اجتناب ناپذیری موجب رشد ناسیونالیسم شد. این ناسیونالیسم، عکس العملی طبیعی در مقابل توسعه طلبی استعماری بود و طبقات و گروههای مختلف خلقهای تحت ستم را در نبرد مشترک بخاطر استقلال ملی متحد میکرد. در آن مرحله از انقلاب ضد امپریالیستی (مرحلهٔ ضد استعماری - مترجم)، ناسیونالیسم بیانگر منافع خلقها بود. بعنوان مثال، کنگرهٔ عرب که در سال ۱۹۳۱ در بیت المقدس تشکیل شد، وحدت ملت عرب را اعلام کرد و از شناسایی تقسیم اجباری اعمال شده برای ملت خودداری نمود و بر تصمیم استوار کلیهٔ اعراب به مبارزه علیه استعمار تانیل به پیروزی کامل تاکید ورزید.

لنین اولین مارکسیستی بود که جهت ضد امپریالیستی ناسیونالیسم ملل تحت ستم را تشخیص داد. ناسیونالیسم ضد امپریالیستی در پیاری رساندن به کشورهای آسیایی - آفریقایی در مبارزه شان بخاطر نپیل به استقلال سیاسی، نقش مهمی ایفا نمود. هم اکنون نیز محتوای ضد امپریالیستی ناسیونالیسم در این کشورها عامل مهمی بشمار میرود.

اما در بررسی ماهیت ناسیونالیسم، هرگز نباید این تذکره‌نویس را از نظر دور داشت که ناسیونالیسم در سیر تکاملی خود، "مراحل متعددی را طی میکند". در مرحله دوم - مرحله مبارزه، خلق‌های آسیا و آفریقا بخاطر تحکیم استقلال سیاسی و برقراری استقلال اقتصادی - ماهیت وظایف و توازن درونی نیروهای طبقاتی جنبش آزادیبخش ملی تغییر میکند. بخش ارتجاعی بورژوازی ملی و دیگر طبقات استثمارگر تصور میکنند که انقلاب به پایان رسیده و زمان ثروت اندوزی از طریق استثمار توده‌ها فرا رسیده است. تحت چنین شرایطی است که جنبه ارتجاعی ناسیونالیسم ملت نو استقلال نمایان میشود. این جنبه ارتجاعی در خود داری طبقات استثمارگر - بورژوازی ملی و بوروکراتیک و مالکان فئودال - از اجرای تغییرات دامنه دار اجتماعی - اقتصادی و خرابکاری آنها در اجرای این تغییرات ظاهر میشود. نمونه این امر در مصر، الجزایر و دیگر کشورهای نواستقلال اتفاق افتاد. لنین در اक्षा ماهیت اجتماعی و محدودیت طبقاتی ناسیونالیسم بعنوان ایدئولوژی طبقات استثمارگر، طبقه کارگر جهانی را از اینکه اجازه دهد حمایتش از جنبش آزادیبخش ملی به "توجهی ستایش آمیز از ناسیونالیسم" بدل شود، بر حذر میدارد. این حمایت باید بطور اکید محدود به جنبه های مترقی چنین جنبش هایی بشود تا یک چنین تائیدیهای به محدود شدن آگاهی پرولتری توسط ایدئولوژی بورژوایی منجر نگردد. " (۳)

حکم لنین در مورد ناپایداری و ناپیگیری خرده بورژوازی در مرحله تحولات عمیق اجتماعی - اقتصادی، اهمیت ویژه ای کسب میکند. اوضاع و احوال موجود در کشورهای عرب و آفریقای که سمت گیری سوسیالیستی دارند صحت این حکم را تائید میکند. در جریان مبارزه طبقاتی گسترش یافته در جمهوری عربی مصر، سوریه، الجزایر و دیگر کشورها، بخشی از خرده بورژوازی تحت تاثیر اقشار بانفوذ بورژوازی ملی و تبلیغات امپریالیستی که سعی در بهره برداری سوء از مشکلات عینی ساختمان ملی جامعه دارند، بیش از پیش به محافظه کاری میگرایند و از جریان سمت گیری سوسیالیستی بریده و شروع به مقاومت در مقابل تغییرات مترقی میکنند. این حقیقت، بایستی بعنوان واقعیت مرحله فعلی مبارزه بخاطر ساختمان سوسیالیستی جامعه در نظر گرفته شود. همین امر است که تلاش جدی جهت تحکیم جنبه کلیه نیروهای چپ و ضد امپریالیستی را ایجاد میکند. تشدید مبارزه طبقاتی، به شکاف در جنبه ضد استعماری که در دوران مبارزه پیروزمند برای کسب استقلال سیاسی شکل گرفته است، منجر میگردد. این شکاف،

تعداد هرچه بیشتری از ایدئولوگ ها و رهبران جنبش آزادببخش ملی را به ضرورت تدوین هرچه سریعتر برنامه های جامع برای آزادی اجتماعی، و اجرای آنها با تکیه هر چه کاملتر به توده ها، متقاعد میسازد. در همین حال، عناصر استثمارگر بورژوا، تلاشهای خود را در جهت برانگیختن گرایشات محافظه کارانه و ارتجاعی در ناسیونالیسم تشدید میکنند. این عناصر حاضرند منافع ملی را فدای منافع تنگ طبقاتی خویش سازند. امپریالیسم با بذل کمک های همه جانبه به ناسیونالیست های متمایل به شوونیسم، این جنبه ارتجاعی ناسیونالیسم را تقویت میکند. تشدید گرایشات جدایی خواهانه و شوونیستی در ناسیونالیسم که توسط امپریالیسم و ارتجاع دامن زده میشود، به نتایج وخیمی منجر میگردد که به امر پیشرفت در کشورهای نواستقلال لطمه میزند. در کشورهای که هدف نهایی خود را ایجاد جامعه سوسیالیستی اعلام کرده اند، ناسیونالیسم ارتجاعی که هیچگونه توجیه تاریخی ندارد، با برخورداری از حمایت امپریالیسم، تنها موجب تأخیر در حل مسائل حاد اجتماعی - اقتصادی گشته و سه وسیله ای در دست امپریالیسم بدل می شود.

مارکسیست - لنینیست ها، انترناسیونالیست های واقعی هستند. آنها بشدت با سلطه ملتی بر ملت دیگر و هر نوع ستم ملی مخالف اند، در عین حال این را درک میکنند که ناسیونالیسم و تعصبات ملی که هنوز نزداقشار مختلف مردم آفریقا و آسیا وجود دارند، قبل از هر چیز نتیجه سلطه طولانی استعماری امپریالیست ها میباشند، که با شقاوت مشرف و غرور ملی خلقهای آسیا و آفریقا را پایمال کرده اند. اما تعصبات ملی مانع عمده ای بر سر راه تکامل مبارزه خلقهای آسیایی - آفریقایی بسوی ترقی و سوسیالیسم بحساب نمی آید. با ادامه مبارزه علیه امپریالیسم و با رشد آگاهی های سیاسی، خودخواهی ها و تعصبات ملی ناسیونالیسم بورژوایی در افکار دمکراتهای انقلابی که بطرز فزاینده ای تحت تأثیر اندیشه های سوسیالیسم علمی قرار میگیرند، بتدریج رنگ میبازند. لنین به کمونیست ها آموخت که هرگز کوچکترین نیرویی را که سمت سوسیالیستی مبارزه انقلابی را تقویت میکند از جنبش انقلابی منتزاع نسازند. وی به تشکیل جبهه متحدی با آن بخش از این نیروها که به سوی پرولتاریا متمایل میشوند. اصرار میورزید. چنین است برخورد حقیقی سوسیالیسم علمی به ناسیونالیسم در کشورهای آسیایی و آفریقایی این موضع، با آن تصویری که تبلیغات امپریالیستی سعی میکند به خلقهای آسیا و آفریقا ارائه دهد، تفاوت بنیادی دارد.

در زمانی که کمونیستی در جهان وجود نداشت ، استعمارگران اروپایی دست به جنگ بیرحمانه ای علیه مسلمانان زدند . آنها با تملق و رشوه‌دهی ، با راهزنی و فریب ، با آتش و شمشیر ، مسیحیت را در کشورهای به بند کشیده آسیا و آفریقا اشاعه میدادند و همه این کارها را تحت لوای " فرمان کشیشان مبلغ " عیسی مسیح انجام میدادند که میگوید : " بنابراین بروید شما ، و تمام ملل را بیاموزید ، بنام پدر و فرزند مقدس و بنام روح القدس آنان را غسل تعمید دهید . " کافی است جنگ صلیبی خونین را بیاد آوریم که در آن تحت لوای " دفاع از اماکن مقدسه مسیحی از سر مسلمانان " ، سیاست ددمنشانه و غارتگرانه‌ای اعمال می‌شد .

سرتاسر تاریخ میان قرون شانزدهم تا نهمه قرن نوزدهم مشحون از نمونه‌هایی است که چگونه کشیش مبلغ شانه به شانه سپاهی فاتح و تاجر برده فروش قدم برمیداشت و حتی در برخی موارد هر سه اینها در یک شخص متبلور بود . دشمنی و عداوت میان استعمارگران و استعمارشدگان از جمله بشکل دشمنی مذهبی نیز ظاهر میگشت . استعمارگران اروپایی و آفریقایی دشمنی و ستم سرسختانه ای علیه هر نوع مذهب غیرمسیحی مانند اسلام ، بودائیسیم ، کنفوسیوئیسم و غیره ، رومیداشت .

در دوران امپریالیسم و انقلابات سوسیالیستی ، استعمارگران و نواستعمارگران در جهت اهداف خویش شروع به بهره برداری از همان نفرت و خصومتی میان مسلمانان و مسیحیان نمودند که خود دامن زده بودند . درگینه ، زئیر ، اوگاندا ، سودان جنوبی و هرکجا که ممکن بود ، امپریالیسم از احساسات مذهبی به نفع مقاصد خود و بضرر خلقها بهره برداری میکرد . بعداً ، با پیش آمدن فوریت در مبارزه علیه جنبش آزادیبخش ملی و سوسیالیسم ، ناگهان امپریالیست‌ها تلاش تب آلودی را برای " پل زدن " بین اسلام و مسیحیت آغاز کردند . آنها این اندیشه را که میان مسیحیت و اسلام و بودائیسیم هدف معنوی مشترک در مبارزه علیه " کمونیسم لامذهب " وجود دارد ، بطرز وسیعی تبلیغ میکنند . اکنون امپریالیست‌ها به مسلمانان میگویند : " شما بخدا اعتقاد دارید ، ما هم به خدا معتقدیم . مذهب میتواند ما را در مبارزه علیه کمونیسم متحد کند . " امپریالیسم حتی به برخی از چهره‌های برجسته مسلمانان جنبش آزادیبخش ملی ، انگ " لامذهبی " زده است . اتهامات شوروانه علیه کمونیسم سرتاسر کتاب ایدئولوگ بورژوا ، والتروکلارترز را بنام " مذهب و کمونیسم در آفریقا " فرا گرفته است . وی در این کتاب کمونیست‌ها

را به دامن زدن احساسات ضد مذهبی متهم میکند و آنها را " تهدیدی علیه اسلام " قلمداد میکند (۴) . امپریالیست‌ها از مسئله مذهب برای دامن زدن به احساسات ضد کمونیستی و ضد شوروی بهره برداری میکنند و باین ترتیب به امر آزادی اجتماعی خلق - های آسیایی - آفریقایی لطمه میزنند .

اینکه هم اکنون نیز کلیسا نقش مهمی در زندگی خلق های آسیا و آفریقا دارد ، امری است بدیهی . در بیش از ۳۰ کشور آسیا و آفریقا ، اسلام مذهب غالب است . طبق گزارش " مجله بررسی اسلامی " ، در حال حاضر حدود ۵۶۰ میلیون مسلمان در جهان زندگی میکنند . (۵) موضع سوسیالیسم علمی در قبال مذهب و از جمله اسلام چیست ؟ آیا اعتقادات مذهبی میتواند در مقابل متحد شدن کلیه نیروهای پیشرو انقلابی که برای پیشرفت اجتماعی مبارزه میکنند ، مانعی بحساب آید ؟ آیا کمونیست‌ها آنطور که امپریالیست‌ها مدعی اند ، عقاید و احساسات معتقدان را تهدید میکنند ؟ کمونیست‌ها هرگز نه این حقیقت را پنهان میسازند که در فعالیت تئوریک و عملی خود توسط ایدئولوژی علمی ماتریالیستی هدایت میشوند و نه نظریات آتئیستی خود را مخفی میکنند .

اما این امر هرگز به معنای آن نیست که پیروی از سوسیالیسم علمی ، کمونیست‌ها و تمام ترقیخواهان مبارز در راه پیشرفت و سعادت خلق ها را وادارد که به مذهب اعلان جنگ دهند . انگلس بشدت مهاجران بلانکیست را بخاطر تلاششان برای اعلان جنگ بامذهب ، تقبیح میکرد . (۶) در ۱۸۷۷ هنگامیکه دورینک * ، " چپ گرای انقلابی در پی قدغن اعلام کردن مذهب در جامعه سوسیالیستی بوده انگلس مخالفت شدیدی با این نقطه نظر ابراز داشت .

لنین تاکید میکرد که " سوسیال دمکراتها برای آزادی کامل وجدان مبارزه میکنند ، و احترام همه جانبه ای برای اعتقاد صمیمانه به اصول ایمانی قائل اند و برآنند که ایمان و اعتقاد هرگز توسط زور و فریب حاصل نمی شود . " (۷) او میگفت که کمونیست‌ها هرگز نباید " مانع پیوستن آن عناصر پرولتری به حزب باشند که هنوز بقایای پیش داوریهای قدیمی خود را حفظ کرده اند . ماهواره برجها بینی علمی خود تاکید خواهیم کرد . . . اما این امر بهیچوجه بدین معنی نیست که مسئله مذهب بعنوان مسئله اصلی پیش کشیده شود . (۸)

بنظر کمونیست‌ها، مرز عمدهٔ ایدئولوژیکی و سیاسی نه بین مذہبی‌ها و غیر مذہبی‌ها، بلکه بین استثمارکنندگان و استثمار شوندهگان قرار دارد. کمونیست‌ها در همکاری صمیمانه با کلیهٔ دموکراتهای انقلابی هستند که صرف نظر از عقاید مذہبی در جهت منافع توده‌ها و بخاطر آرمان تجدید حیات ملی و پیشرفت اجتماعی مبارزه میکنند. آنها شرط ضرور این همکاری را هرگز در این نمی‌دانند که این گروه‌ها و اشخاص اعتقادات مذہبی خود را نفی کنند. در نتیجه، موضع گیری مختلف نسبت به مذہب، هرگز نمی‌تواند پایهٔ مجادلات میان کمونیست‌ها و دموکراتهای انقلابی یعنی بین انقلابیون اصیل باشد. لنین در مقالهٔ معروفش بنام "سوسیالیسم و مذہب" و "برخورد حزب طبقه کارگر با مذہب" که بترتیب در سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۰۹ نوشته شده‌اند، چنین نتیجه‌ای گرفته است. این ۲ مقاله تا به امروز هم اهمیت خود را در رابطه با مناسبات میان کمونیست‌ها و دموکراتهای انقلابی حفظ کرده‌اند.

تہلیفات امپریالیستی به کمونیست‌ها اتهام میزند که گویا آنها در پی ریشه کن ساختن اسلام اند. کمونیست‌ها در رعایت عقاید و احساسات مسلمانان متدین، نهایت سعی خود را بکار می‌برند. در ۳ دسامبر ۱۹۱۷، حکومت شوروی در خطابهٔ ویژه‌ای که برای "کلیهٔ کارگران مسلمان روسیه و شرق" صادر کرد سیاست استعماری تزاریسم و امپریالیسم جهانی را بشدت تقبیح نمود. چنانکه در خطابه آمده است، حکومت شوروی جانبداری بی قید و شرط خود را از زحمتکشان مسلمان "که مساجد و نمازخانه‌ها - یشان ویران شده و اعتقادات و آداب و رسومشان مورد تجاوز قرار گرفته‌است"، ابراز داشته و با قاطعیت اعلام کرد که "از حالا به بعد، دین و آداب و رسوم و نهادهای ملی و فرهنگی شما آزاد و از تعرض مضمون اعلام میگردد. (۹)" درجهٔ حساسیت لنین رهبرانقلاب سوسیالیستی نسبت به احساسات مسلمانان متدین از حادثه‌ای که شرح آن خواهد رفت، آشکار میگردد. در دسامبر ۱۹۱۷ شورای کمیسرهای خلق نامه‌ای از جانب "کنگره مسلمانان ساکن نواحی مختلف" دریافت کرد که در آن "بنام مسلمانان روسیه" تقاضا شده بود که "قرآن مقدس عثمان" که در آن زمان در اختیار "کتابخانهٔ عمومی دولتی" قرار داشت، به آنان واگذار شود. لنین در نامه‌ای به کمیسر آموزش خلق، آ. و. لوناچارسکی، درخواست کرد که باین تقاضا بدون فوت وقت پاسخ مثبت داده شود. (۱۰)

حقایق تاریخی، جملیات امپریالیستی‌ها و ارتجاعیون را که گویا کمونیست‌ها

* A. V. Lunacharsky

دارای احساسات خصومت آمیز با مذهب هستند ، بطور کامل مردود می شمرد . همه کس میدانند که بعد از انقلاب اکتبر ، حکومت شوروی ، روحانیت را تشویق می نمود که در موضع وفاداری به نظام جدید قرار گیرد و به سهم خود از هیچ کوششی برای تحقق این امر فروگذار نمی کرد . حزب کمونیست حتی در مورد جامعه " علما " ، یعنی رهبران مذهبی اسلامی که کنترل کلیه موسسات مذهبی و علاوه بر آن اداره امور مایملک مالی واریزی و سیمی را در اختیار داشت ، نحوه برخورد متفاوتی در پیش گرفت . بدین ترتیب ، مثلا در سپتامبر ۱۹۲۵ ، کنگره پنجم حزب کمونیست ترکستان خاطر نشان کرد که " هم اکنون یک بخش مرفعی در داخل جامعه علما وجود دارد " که " امکان شرکت خود را در موسسات و نهادهای شوروی تأیید میکند . " (۱۱)

در مه ۱۹۲۲ ، اجلاس پلنوم کمیته مرکزی کمیته اجرائی شوراهای ترکستان تصمیم گرفت که املاک وقفی ، املاکی که به مساجد و مدارس مذهبی تعلق داشته و به دهقانان اجاره داده می شده است — به صاحبان قبلی شان بازگرداند . و بخاطر احترام به احساسات معتقدان به مذهب ، پلنوم همچنین به روحانیون و شیوخ قوم " اجازه فعالیت داد . در متن تصمیم آمده است که دولت شوروی منحصر " هم خود را صرف احیاء اقتصادی جمهوری میکند و " این دولت هرگز وظیفه جنگ علیه اسلام ، شریعت یا آداب و رسوم محلی را در مقابل خود قرار نمی دهد . "

دمکراسی اصیل جامعه سوسیالیستی ضامن آزادی وجدان و آزادی مذهب برای همگان است . شهروند یک جامعه سوسیالیستی ، میتواند بخدا اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد ، میتواند به دینی تعلق داشته باشد یا به هیچ مذهبی اعتقاد نداشته باشد . علاوه بر این آزادیها فقط بطور صوری اعلام نشده اند ، بلکه توسط قانون اجرائی آنها تضمین میگردد ، چنانکه در ماده ۱۲۴ و ۱۳۵ قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آمده است . * * * مثلا ، در کشورهای سوسیالیستی ، استفاده از احساسات مذهبی معتقدان مذهبی جهت مقاصد خود خواهانه و سودجویانه و غیره ممنوع است ، در حالیکه در کشورهای سرمایه داری ، غالبا " از مذهب برای ارضاء منافع خود خواهانه طبقه حاکمه و بضرر منافع اکثریت قاطع زحمتکشان سوء استفاده می شود .

* * * این آزادیها در ماده ۲۴ قانون اساسی جدید اتحاد شوروی مصوب هفتمین اجلاس (اجلاس فوق العاده) شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۱۷ اکتبر ۱۹۷۷ ، گنجانده شده است . (مترجم)

دشمنان خلق های عرب ، کوشش میکنند که آزادی واقعی وجدان در اتحاد شوروی را در پرده شک و تردید فروبرند . آنها همواره به اتهامات مستقیم مبنی بر اینکه گویا احساسات مذهبی مردم در اتحاد شوروی سرکوب میگردد ، متوسل میشوند . اما در اینجا کولین سیمپسون *** ، که نویسنده معروفی در غرب میباشد در گزارشی که به ملاقات وی با باباخانوف **** ، مفتی اعظم آسیای میانه اختصاص دارد وبه منظور آشنایی با زندگی خلق های جمهوری های آسیای میانه شوروی انجام گرفته است ، حقایق را آشکار میسازد .

سیمپسون از باباخانوف می پرسد آیا وی از درجه آزادی مذهبی که مسلمانان آسیای میانه از آن برخوردارند ، راضی است یا نه . باباخانوف پاسخ میدهد که وی کاملا راضی است . در اینجا کوچکترین مانعی در مقابل اجرای فرایض و مراسم مذهبی وجود ندارد ، مساجد در تمام شهرها دایرند ، طلبه های او میتوانند بخارجه سفر کنند ، مثلا " به مصر و دیگر ممالک جهان اسلام ، و هر ساله تعداد زیادی از زائران خانه خدا به مکه و مدینه میروند .

باباخانوف در پاسخ به سؤال سیمپسون در مورد اینکه آیا وی با آزادی زنان در جامعه کمونیستی موافق است ، پاسخ میدهد که یکی از دخترانش پزشک و آن دیگری دانشجوی زبانهای شرقی در دانشگاه تاشکند میباشد . تصادفا " ، مفتی باباخانوف به دستور هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی ، در ژانویه ۱۹۶۸ ، بخاطر فعالیت های سترگ میهن پرستانه و بمناسبت شصتمین سالروز تولدش مفتخر به دریافت نشان افتخار گشته است .

کمونیست ها در موضع همکاری صمیمانه باتمام کسانی هستند که منافع توده های خلق نزد آنان عزیز است و بعنوان شرط این همکاری ، هرگز از منتقدان به مذهب ، از جمله مسلمانان طلب نمیکنند که به اعتقادات دینی خود پشت کنند . در نتیجه ، مسئله مذهب ، نمی تواند مانعی در برابر تحکیم اتحاد ضد امپریالیستی میان کمونیست ها و دمکراتهای انقلابی بحساب آید .

دشمن اصلی سوسیالیسم و جنبش آزادیبخش ملی ، امپریالیسم است که کوشش میکند بهر وسیله ممکن ، از جمله تجاوز آشکار ، از اجرای تحولات عمیق اجتماعی -

*** Colin Simpson

**** Babakhanov

اقتصادی در کشورهای عرب و دیگر کشورهای نواستقلال جلوگیری نماید. امپریالیسم و صهیونیسم برای رسیدن به مقاصد خود، دست به تجاوز نظامی علیه رژیم‌های مترقی جهان عرب زدند. مبارزه علیه امپریالیسم، مبارزه بخاطر نیل به صلح و تحکیم آن مبارزه بخاطر آزادی از قید استعمار، مبارزه علیه پایگاههای نظامی امپریالیستی، - اینها هستند برنامه مشترک کمونیست‌ها و نیروهای دمکراتیک انقلابی. در برابر عملیات تجاوزکارانه امپریالیسم، اختلاف عقیده میان احزاب کمونیست و احزاب انقلابی - دمکراتیک در مورد مسائل ایدئولوژیکی از جمله مسائل مذهبی نباید موجب خلل در تحکیم همکاری و اتحاد میان این نیروها باشد. توده‌های وسیع خلق اینزادارک میکنند. در برخی کشورهای اروپایی، بطور نمونه، افزایش قابل ملاحظه‌ای در همکاری و عمل مشترک میان کمونیست‌ها و بخش‌های وسیع کاتولیک‌های دمکرات و افراد معتقد به دیگر مذاهب چشم می‌خورد. اینروزها صحبت و تبادل نظر میان آنها درباره مسائل نظیر جنگ و صلح، سرمایه‌داری و سوسیالیسم، استعمار نوین و کشورهای در حال رشد اهمیت فزاینده‌ای کسب میکند. چنانکه در کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری در ۱۹۶۹ خاطر نشان میشود، "کمونیست‌ها بر آنند که از این طریق (از طریق تماس‌های وسیع و اقدامات مشترک) توده‌های مردم با اعتقادات مذهبی میتوانند به نیروی فعالی در مبارزه ضد امپریالیستی و در مبارزه در راه اجرای تحولات پر دامنه اجتماعی بدل شوند". (۱۲) تجربه رشد غیر سرمایه داری در مغولستان، که در آن، حل مسئله لاماتیست‌ها * وظیفه بسیار مشکلی در مرحله ضد فئودالی انقلاب (۴۵-۱۹۲۱) بود، شاهی برایین مدعا است.

حزب انقلابی خلق مغولستان، با در نظر گرفتن مذهبی بودن توده‌های خلق و در تلاش بخاطر تحکیم جبهه ملت، ضروری دانست که موقتا "شکل مشروطه" سلطنتی را به رهبری بوگدو-گن * * *، بالاترین مقام در سلسله مراتب بودائیستی، حفظ کند، اما بهر صورت اختیارات غیر روحانی او را کاهش داد. در عین حال چنانکه ی - تسدنبال * * * خاطر نشان کرده است، حزب انقلابی خلق مغولستان، "سیاست مرز بندی طبقاتی لاماها را" دنبال میکرد که "هدف آن منزوی ساختن نخبگان فوقانی فئودال

* نوعی سیستم مذهبی که شکلی از بودائیسم است و با مراسم و آداب و رسوم

پیچیده و سلسله مراتب منظم متمایز است.

** Bogdo-Gegen

*** Y. Tsedenbal

جامعه مذهبی از توده‌های وسیع تحتانی و متوسط لاماها بود، کار وسیع سیاسی و آموزشی در میان صفوف پائین لاماها صورت گرفت. " دولت در تلاش خود با استفاده از کلیه امکانات جهت تشویق لاماها به درپیش گرفتن یک زندگی دنیوی، به آنان در تشکیل خانواده و سازمان دادن آرتل‌های *** تولیدی پیشه‌وری خود و غیره کمک‌های شایانی مبذول داشت. در نتیجه این امر، بسیاری از لاماها، داوطلبانه از این نظام خارج شدند، ازدواج کردند و به تشکیل خانواده و کار اجتماعی مفید پرداختند. (۱۳) لازم به یادآوری نیست که هم در مغولستان و هم در جمهوریهای آسیای میانه شوروی، دولت نوین، فعالیت‌های سیاسی ضدانقلابی گروه‌های ارتجاعی مذهبی را سرکوب کرد. احزاب انقلابی - دموکراتیک در تعدادی از کشورهایی که سمت گیری سوسیالیستی دارند، هم اکنون چنین سیاستی را در پیش گرفته‌اند. مثلاً در مصر، سازمان مذهبی ارتجاعی اخوان المسلمین غیرقانونی اعلام شد. ناصر به شدت این سازمان را که به گفته خود او مقاصد جنایتکارانه‌ای را دنبال میکرد و با امپریالیسم انگلستان پیوندهای نزدیکی داشته از منافع محافل ارتجاعی حمایت میکرد و کوچکترین وجه مشترکی با منافع خلق نداشت، (۱۴) محکوم کرد.

نه وین *، صدر شورای انقلاب برمه، در سخنرانی خود که به فعالیت‌های ارتجاعی و ضد خلقی بخش معینی از راهبان بودایی (یا بقول خودش " راهب‌نماها ") اختصاص داشت، روشن ساخت که آنها آلت دست سیاستمدارانی هستند که مقاصد تبه‌کارانه خود را تحت لوای مذهب و با به‌بازی گرفتن احساسات مذهبی مردم به پیش می‌برند. سیاستمداران و اقتصاد دانان متمرّد در چهره این شبه راهبان، چهره خرابکاران بالقوه و سهل‌الوصول را می‌بینند. (۱۵) در سند ویژه " سیاست و نقطه نظرات شورای انقلاب در مورد مسئله مذهب " که تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۴ را دارد، خاطر نشان میگردد که راهبان بایستی هم خود را معطوف به پاکسازی و تکامل بودائیسم نموده، و در امور سیاسی که امری غیردینی و دنیوی است، دخالت نکنند. و اینکه شورای انقلاب هیچ فرد با سازمانی را که تحت لوای مذهب دست به فعالیت‌های سیاسی بزند، تحمل نخواهد کرد. (۱۶) بنابراین پیروی خود دموکرات‌های انقلابی از مذهب، مانع از آن نمی‌شود که آنها فعالیت‌های ضد خلقی محافل مذهبی را که با امپریالیسم و نواستعمار متحد شده و علیه تغییرات اجتماعی - اقتصادی مترقی مبارزه میکنند، متوقف سازند.

*** - به نوعی تعاونی پیشه‌وری اطلاق میشود. (مترجم)

ج - مارکسیست - لنینیستها و مالکیت خصوصی

چنانکه در قبل ذکر شد ، در کشورهای آسیایی و آفریقایی که سمت گیری سوسیالیستی دارند ، تحولات پر دامنه اجتماعی اقتصادی در حال تکوین است . در جریان این تحولات ، مایملک بزرگ متعلق به بورژوازی خارجی و محلی ملی میگردد و این امر مواضع نواستعماری امپریالیسم را تضعیف کرده و به کشورهای نواستقلال در نیل به استقلال اقتصادی کمک می نماید . به همین علت است که امپریالیستها جملیات زیرکانه ای پخش میکنند مبنی بر اینکه گویا در نظام سوسیالیستی ، که هدف کشورهای است که راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش گرفته اند ، کلیه مایملک خصوصی و حق مالکیت اعلام شده توسط اسلام ، ملغی میشود . این جملیات با توجه به عقاید آندسته از دمکراتهای انقلابی آسیایی و آفریقایی پخش میشود که سعی در آشتی دادن مالکیت خصوصی بروسایل تولید و اصول اعلام شده سوسیالیستی خود دارند . در عین حال ، یکی دیگر از مقاصد این جملیات ، ترساندن بخش های کثیرالعمده خرده بورژوازی و رویگردانی آنها از سمت گیری سوسیالیستی میباشد . موضع حقیقی مارکسیست ها در برابر مالکیت خصوصی چیست ؟

یکی از اصول اساسی و خواسته های مطلق سوسیالیسم علمی که کاملا در اتحاد شوروی تحقق یافته است ، برجیدن بساط استثمار فرد از فرد ، و برانداختن مالکیت خصوصی بر ابزار عمده و وسایل اساسی تولید اجتماعی کردن این چنین مایملکی است که بنیاد تولید سرمایه داری بوده و اساس استثمار زحمتکشان را تشکیل میدهد . سوسیالیسم علمی طرفدار الفاء آن نوع از مالکیت خصوصی است که به عنوان وسیله ای برای استثمار طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان بکار گرفته میشود و به منظور جمع آوری ثروت در دست گروه کوچکی از سرمایه داران بزرگ و مالکان فئودال بخدمت در میآید . اینها شامل کارخانجات ، بانکها ، زمین ، وسایل حمل و نقل و غیره میباشد . اما بهر حال همه میدانند که در شوروی دهقانان قطعات منفرد زمین ، خانه ، وام ، ابزار معین تولید و غیره را در تملک شخصی خویش دارند .

تنها آگاهی ناچیز به تئوری سوسیالیسم علمی میتواند توجیه کننده اظهارات پاره ای از دمکرات های انقلابی باشد که گویا کمونیست ها در تمام موارد ، ضبط هر نوع مایملک خصوصی را طلب میکنند و اینکه آنها در کلیه موارد مخالف پرداخت خسارت میباشدند . در این خصوص ، لنین اشاره میکند که " مارکس کاملا محق بود که به کارگران

اهمیت حفظ سازمان تولید بزرگ را که دقیقاً به منظور تسهیل گذار به سوسیالیسم لازم است، بیاموزد. مارکس آموخت که استثنائاً (که بریتانیا در آن زمان چنین استثنائی بود)، امکان پرداخت مبلغ مناسب به سرمایه داران و خریدن کلیه سهام آنان در صورتیکه شرایط آنچنان باشد که سرمایه داران را به تسلیم صلح آمیز و آداری و نیل به سوسیالیسم راتحت شیوه‌ای با فرهنگ و کاملاً " سازمان یافته فراهم کند، قابل تصور است. " (۱۷)

جمهوری جوان شوروی در زمان خود پیشنهاد کرده که مالک طبقات استثمارگر و امپریالیسم بین‌المللی را که از قدرت خلع شده بودند بخرند، تنها باین شرط که آنها در فعالیت این جمهوری در راه ساختمان سوسیالیسم مداخله‌ای نکنند. لنین در هفتمین کنفرانس حزب کمونیست روسیه در گوبرنیای مسکو در ۱۹۲۱ اظهار داشت که مفهوم بسیاری از فرمانهای اولیه حکومت شوراهای - مثلاً " فرمان مربوط به انحصار دولتی تبلیغات و آگهی‌ها و فرمانهای مربوط به امور بانکی - آنچنان بوده که روی حفظ تعداد زیادی از تاسیسات خصوصی و پاره‌های شیوه‌های کار بر مبنای مالکیت خصوصی معین حساب میکرد. اما جهان سرمایه داری هر نوع مصالحه را بهر شکل و عنوان رد کرد. لنین اوضاع آن زمان را چنین توصیف کرد. " ماکه به سرمایه داران گفته بودیم " به مقررات دولتی کردن نهدید و از دولت متابعت کنید و بجای الفاء همه آن شرائطی که با مصالح، عادات و عقاید دیرینه عامه مردم تطابق دارد، تغییرات توسط مقررات دولتی صورت خواهد گرفت "، خود ماتمامی موجودیت خویش را در معرض نابودی یافتیم.

طبقه سرمایه دار تا کنیک و آدار کردن ما، به دست زدن به مبارزه نوسیدانه و بیرحمانه را در پیش گرفته بود و همین امر ما را مجبور کرد که مناسبات کهن را با وسعت و شدتی فزاینده قصد اولیه خود نابود کنیم. (۱۸)

این خود طبقات استثمارگر سابق بودند که بخاطر اینکه دریافت مقدار معینی بعنوان خسارت را نپذیرفتند، شایسته سرزنش اند. آنها امیدوار بودند که به کمک امپریالیسم بین‌المللی و باتوسل به نیروی اسلحه قادر خواهند بود سیستم سابق را دوباره برقرار کنند و کلیه ثروتهای خود را پس بگیرند. در نتیجه، برای آنها هیچ چیز باقی نماند. ادعاهای ایدئولوگ های امپریالیسم مبنی بر اینکه گویا سوسیالیسم خواستار الفاء کلیه اشکال مالکیت خصوصی و ضبط آنها بدون پرداخت خسارت میباشد، سراپا دروغ است. برخی از ارتجاعیون به منظور اثبات ادعاهای مشابه، سعی در استفاده

از قرآن را دارند. اما هنگامیکه برخی محافل عرب وحشت خود را از پاره‌ای اصلاحات انقلابی در جمهوری عربی مصر ابراز داشتند، شیخ حسن مامون، رئیس دانشگاه الازهر قاهره، با ارائه نقل قول‌هایی از قرآن، اظهار داشت که قوانین اسلامی تا آنجا به مالکیت خصوصی احترام میگذارد که با منافع اجتماع در تضاد نباشد. حسن مامون همچنین تذکر داد که قوانینی که در مصر با اجرا گذاشته شده‌اند، از جمله اصلاحات کشاورزی، با قوانین اسلامی مطابقت دارند. (۱۹)

چنانکه از تجربه عملی بسیاری کشورها مشهود است، راه رشد غیر سرمایه داری بسوی سوسیالیسم توسعه بخش دولتی را ایجاب میکند. حکومت‌های انقلابی، با توسعه بخشیدن باین بخش و با برقراری کنترل اکید بر موسسات خصوصی و قرار دادن آنها در چهارچوب معین، سرمایه داری را از هر نوع چشم انداز دامنه دار محروم میکنند و در عین حال شرایط اولیه مادی را برای گذار بعدی کشورهای خود به مرحله ساختمان جامعه سوسیالیستی فراهم میکنند. این یک سیاست واقع بینانه و دوراندیشانه است.

د - مارکسیست - لنینیستها و آزادی فرد

دشمنان مارکسیسم - لنینیسم با سماجت افسانه‌های افتراجویانه‌ای پخش میکنند مبنی بر اینکه گویا کشورهای سوسیالیستی دارای رژیم‌هایی توتالیتر هستند و آزادیهای فردی در این کشورها سرکوب می‌شود. این نوع تبلیغات افتراجویانه برای منحرف کردن توده‌های مردم کشورهای نواستقلال و ترساندن آنها از سوسیالیسم پخش میشود. امپریالیست‌ها همچنین تلاش میکنند که دمکراتهای انقلابی این کشورها را متقاعد سازند که اصول آزادی فردی با اصول سوسیالیسم علمی که در پی برقراری دیکتاتوری پرولتاریا که نوعی اعمال قدرت است که "هر نوع دمکراسی را رد میکند"، سازگاری ندارد. در این خصوص، تبلیغات امپریالیستی، دمکراسی سوسیالیستی را بدنام میکند و با این ادعا که گویا دیکتاتوری پرولتاریا "به اراده مردم تجاوز میکند"، محتوای لنینی آنرا تحریف میکنند.

لنین خود پوچی این نظریه را که گویا مارکسیسم فرد را "کمیتی بی‌اهمیت میدانند، افشا کرده است. (۲۰) و خاطر نشان می‌کند که "هدف سوسیالیسم تضمین رفاه و آزادی کامل و تکامل همه‌جانبه کلیه افراد جامعه می‌باشد" (۲۱)

دیکتاتوری پرولتاریا برای نیل به این هدف و درهم شکستن مقاومت طبقات استثمارگر خلع شده، ضروری بود. لنین مینویسد "تاریخ به ما می‌آموزد که هیچ طبقه

ستم دیده‌ای بدون توسل به دیکتاتوری برای مدت معینی از زمان ، یعنی بدون تسخیر قدرت سیاسی و درهم شکستن قهرآمیز مقاومت نومیدانه و بسیار وحشیانه که همواره از جانب استثمارگران اعمال شده و خودبخود هم پایان نگرفته ، نمی‌توانسته قدرت را به جنگ آورد و هرگز نیز نتوانسته است . " (۲۲)

دیکتاتوری پرولتاریا و دولت پرولتری ، باهدف ساختمان جامعه سوسیالیستی ، وظایف بسیار متنوعی را انجام می‌دهند - وظایف اقتصادی ، فرهنگی ، آموزشی ، سازمانی دفاع ملی و بسیاری دیگر . اما وظیفه اصلی دیکتاتوری پرولتاریا که دیگر وظایف تحت الشعاع آن قرار دارند ، سرکوب مقاومت طبقات استثمارگر خلع ید شده است . لنین این وظیفه را چنین تعریف میکند . " پرولتاریا احتیاج به قدرت دولتی ، سازمان و تشکیلات متبلور برای اعمال قهر و زور دارد ، چه برای درهم شکستن مقاومت استثمارگران و چه برای هدایت توده عظیم مردم - دهقانان ، خرده بورژوازی و نیمه پرولترها - بسوی سازماندهی اقتصاد سوسیالیستی . (۲۳)

چنانکه تجربه جمهوری عربی مصر ، سوریه ، برمه ، گینه و دیگر کشورهایی که سمت‌گیری سوسیالیستی دارند نشان می‌دهد ، سیستم برقرار شده در این کشورها نوعی دیکتاتوری دمکراسی انقلابی میباشد . این دیکتاتوری به حمایت توده‌های غیر پرولتر و نیمه پرولتر و قبل از همه دهقانان ، اقشار متوسط و روشنفکران متکی است .

دمکراتهای انقلابی این کشورها کار درهم شکستن مقاومت طبقات استثمارگر - سرمایه داران و مالکان - و فراهم کردن امکانات رهبری دولتی را برای خرده بورژوازی و دهقانان ، شروع کرده‌اند . این امر که این دیکتاتوری ممکن است در ائتلافی با اقشار میهن پرست خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط وارد شود ، از جهت و سمت گیری ضد استثمار و ضد سرمایه‌داری این مبارزه چیزی کم نمیکند ، دیکتاتوری انقلابی - دموکراتیک که در کشورهای دارای سمت‌گیری سوسیالیستی مبین منافع اکثریت استثمار شده مردم است نه در نقطه مقابل دیکتاتوری پرولتاریا ، بلکه در اتحاد با آن قرار دارد .

بیش از نیم قرن تجربه ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم در اتحاد شوروی بطور کامل حقانیت آن را با ثبات رسانده است . اصول دمکراسی اصیل و آزادی واقعی - دمکراسی و آزادی برای زحمتکشان نه برای گروه کوچکی از ثروتمندان و ملاکان بزرگ - جامعه حقیقت پوشیده اند .

این آزادی توسط دیکتاتوری پرولتاریا که مبین منافع طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان میباشد تأمین گشته است .

دیکتاتوری پرولتاریا حق کار، آموزش، استراحت، شرکت فعال در حیات سیاسی و اجتماعی کشور را برای زحمتکشان فراهم آورده است - حقوقی که بدون آنها آزادی واقعی فردی نمی تواند وجود داشته باشد. در ۱۹۱۸، لنین در "نامه به کارگران آمریکائی" خاطرنشان کرد که اندیشه های سوسیالیسم علمی، آرمان صلح، سیستم عادلانه، اجتماعی، آزادی و دمکراسی، قلوب و اذهان میلیونها نفر را تسخیر کرده است و امپریالیسم برای رقابت با این اندیشه ها و آرمانها چیزی برای عرضه کردن ندارد.

کارگران سراسر جهان صرف نظر از اینکه در کدام کشور زندگی میکنند، بما سلام میفرستند، با ما همدردی میکنند، ما را بخاطر شکستن حلقه آهنین اسارت امپریالیستی و گسستن از پیمانهای نفرت بار امپریالیستی و پاره کردن زنجیرهای امپریالیسم - به خاطر... برافراشتن پرچم صلح و پرچم سوسیالیسم در مقابل دیدگان تمامی جهانیان تحسین میکنند.

"تعجبی ندارد که باند امپریالیسم بین المللی بخاطر همین ها از منافرت دارند

..... (۲۴)

امپریالیست ها و ارتجاعیون، حربه دروغ و اتهام را برای تمام مبارزان پیگیر راه آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم بکار میبرند و از آن بمنظور ایجاد نفاق در صفوف این مبارزان و فلج کردن اراده زحمتکشان در راه مبارزه آزادیبخش استفاده میکنند. این همان نتیجه ای است که لنین در آخر "نامه به کارگران آمریکائی" میگرد و ماهیت ارتجاعی امپریالیسم آمریکا را نشان میدهد. و این نتیجه گیری توسط تاریخ تأیید شده و همچنان تأیید می شود.

تحت عنوان مبارزه علیه "خطر کمونیسم" بود که امپریالیست ها در ۱۹۱۸ دست به عملیات تجاوزکارانه علیه روسیه شوروی زدند و با این کار خود، ویرانیهای عظیم اقتصادی و ضایعات جانی وحشتناکی برای مردم بیارآوردند. با همین بهانه بود که فاشیسم آلمان، شلاق جنگ امپریالیستی و غارتگرانه خود را به منظور به انقیاد درآوردن خلقهای بسیاری از کشورها گشود و رنج و بدبختی بی حسابی برای بشریت بیارآورد. امپریالیست ها و صهیونیست ها، هنگام اجرای تجاوز خود علیه مصر، حمال عبدالناصر را "عامل کمونیسم" معرفی کردند. ایالت متحده هنگامیکه سرگرم جنگ جنایت - کارانه علیه خلق قهرمان ویتنام بود، لولوی "تهدید کمونیسم" را علم کرد. سیاه -

ترین نیروهای ارتجاع زیرپرچم آنتی کمونیسم گرد می آیند. آنتی کمونیسم از چه تغذیه میکند؟ لنین جواب روشنی باین سؤال میدهد. " به صرف اینکه انقلاب شروع شده، مردم پیغمبر نشده اند. طبقات رنجبر که قرن‌ها تحت ستم بوده، لگد مال شده و بزور دربند‌های فساد ناشی از فقر و تنگدستی، ددمنشی و جهل نگهداشته شده اند، هنگامیکه انقلاب میکنند نمی توانند از ارتکاب به اشتباه اجتناب ورزند و... جسد بورژوازی نمی تواند در تابوت قرار گرفته دفن شود. جنازه سرمایه داری در میان ما می‌گردد و متعفن میشود، هوا را آلوده میکند و جانهای ما را مسموم می‌سازد و هر چه راکه نو، شاداب، جوان و نیرومند است با هزاران رشته و زنجیر به آنچه که کهنه، رو به مرگ و در حال پوسیدن است، پیوند میدهد و به گند خویش می‌آلاید. (۲۵)

این جملات که مشخصه سالهای اولیه تکامل دولت شوروی است، هم اکنون برای بسیاری از کشورهای نواستقلال مصداق خود را دارد. آنتی کمونیسم که توسط تبلیغات امپریالیستی و از جانب ایالت متحده و قدرت های اروپایی در این کشورها تزریق میشود، اثر مخربی بر انقلاب دمکراتیک ملی دارد.

در بیانیه مشترکی که بعد از ملاقات هیئت‌های نمایندگی احزاب کمونیست اتحاد شوروی و اتحاد سوسیالیست عرب در ژوئیه ۱۹۷۱ منتشر شد، آمده است: " دوحزب برآنند که آنتی کمونیسم بحال آرمانهای آزادیبخش و منافع ملی خلقها مضر است و نباید آن میدان داده شود. آنتی کمونیسم فقط به منافع محافل ارتجاع بین‌المللی خدمت میکند. تلاش برای دامن زدن به آنتی کمونیسم به منظور شکاف انداختن در صفوف انقلابیون عرب، که علیه امپریالیسم و صهیونیسم و تجاوز اسرائیل نبرد میکنند، صورت میگیرد. این کوششها علیه انقلابیونی صورت میگیرد که بخاطر تامین حقوق خلقهای عرب و بخاطر تکامل آزاد و مستقلانه خود کام بر میدارند. این تشبثات همچنین باهدف اخلال در همبستگی و همکاری میان خلق های عرب و دوستانشان انجام میگیرد. "

پایان

پاورقیها

- ۱ - ر. اشتراوست هوپه R. Strausz-Hupe ، استفان. ت. یوسونی S, T. Possony
- ۲ - و. ا. لنین "خطابه به دومین کنگره سراسری سازمانهای کمونیستی خلقهای شرق"، کلیات، جلد ۳، ص ۱۶۲ (انگلیسی).
- ۳ - و. ا. لنین "ملاحظات انتقادی در مورد مسئله ملی"، کلیات، جلد ۲، ص ۳۴ (انگلیسی).
- ۴ - و. کولارتس W. Kolartz "مذهب و کمونیسم در آفریقا" ایندیانا، ص ۳۰.
- ۵ - مجله "بررسی اسلامی"، نوامبر-دسامبر ۱۹۶۵، ص ۳۰.
- ۶ - رجوع کنید به کارل مارکس - فردریک انگلس، "آثار منتخب در سه جلد، جلد ۲ ص ۸۶ و ۳۸۰.
- ۷ - لنین، "پیش نویس سخنرانی درباره مسئله کشاورزی در دومای دوستی دوم" کلیات، جلد ۱۲، ص ۲۹۶.
- ۸ - لنین، "سوسیالیسم و مذهب" کلیات جلد ۱۰، ص ۸۷.
- ۹ - لنین، "فرمانهای دولت شوروی"، مسکو ۱۹۵۷، ص ۱۴-۱۱۳ (روسی)
- ۱۰ - لنین، "درباره آسیای میانه و کازاخستان"، گوسیزدات Gosizdat جمهوری سوسیالیستی شوروی ازبکستان، ۱۹۶۰، ص ۳۶۴ (به روسی)
- ۱۱ - قطعه نامه ها و مصوبات کنگره های حزب کمونیست ترکستان ۱۹۲۴-۱۹۱۸، تاشکند ۱۹۶۸، (به روسی)
- ۱۲ - کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری، مسکو، ص ۲۷.
- ۱۳ - رجوع کنید به ی. - تسه دنبال Y. Tsendenbal، "از فتودالیسم تا سوسیالیسم، مجموعه مقامات و سخنرانیها"، مسکو، ۱۹۶۲، ص ۸۶-۲۸۵ و ۲۸۲ (به روسی)
- ۱۴ - پراودا، ۲۴ دسامبر ۱۹۶۵.
- ۱۵ - "به پیش"، جلد ۳، شماره ۱۹، رانگوت، ۱۵ مه ۱۹۶۸، ص ۱۳ و ۱۴.
- ۱۶ - همانجا ص ۱۴.

- ۱۷ - لنین ، " مالیات جنسی " ، کلیات ، جلد ۳۲ ص ۳۲۸-۳۹ .
- ۱۸ - لنین ، " کنفرانس هفتم حزب کمونیست روسیه در گوبرنیای مسکو " ، کلیات ، جلد ۳۳ ، ص ۹۱-۹۵ .
- ۱۹ - مجله بررسی اسلامی " ، نوامبر- دسامبر ۱۹۶۵ ، جلد ۵۳ ، شماره های ۱۱ و ۱۲ ص ۲۳ ، ۲۵ .
- ۲۰ - لنین ، " ماتریالیسم و امپریوکریتیسیسم " ، کلیات ، جلد ۱۴ ، ص ۳۱۸ .
- ۲۱ - لنین " طرح برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه " کلیات ، جلد ۶ ، ص ۲۸ .
- ۲۲ - لنین " کنگره اول انترناسیونال کمونیستی " ، کلیات ، جلد ۲۸ ، ص ۴۵۸ .
- ۲۳ - لنین " دولت و انقلاب " ، کلیات ، جلد ۲۵ ، ص ۴۰۴ .
- ۲۴ - لنین " نامه به کارگران آمریکائی " ، کلیات ، جلد ۲۸ ، ص ۶۵ .
- ۲۵ - همانجا ص ۷۲ .